

# پیرزنی که تمام قوانین را زیر پا گذاشت

(رمان)

کترینا اینگلمن سوندبرگ

ترجمه: کیهان بهمنی



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

## فصل‌ها

۱۰۸	فصل هفدهم	۷	درباره نویسنده
۱۱۲	فصل هجدهم	۱۱	مقدمه
۱۲۲	فصل نوزدهم	۱۹	فصل اول
۱۳۲	فصل بیستم	۲۶	فصل دوم
۱۴۳	فصل بیست و یکم	۳۳	فصل سوم
۱۴۸	فصل بیست و دوم	۳۸	فصل چهارم
۱۵۱	فصل بیست و سوم	۴۶	فصل پنجم
۱۵۵	فصل بیست و چهارم	۵۱	فصل ششم
۱۶۵	فصل بیست و پنجم	۵۶	فصل هفتم
۱۷۰	فصل بیست و ششم	۶۲	فصل هشتم
۱۷۶	فصل بیست و هفتم	۶۷	فصل نهم
۱۸۲	فصل بیست و هشتم	۷۰	فصل دهم
۱۸۶	فصل بیست و نهم	۷۵	فصل یازدهم
۱۹۳	فصل سی ام	۸۵	فصل دوازدهم
۱۹۷	فصل سی و یکم	۹۰	فصل سیزدهم
۲۰۴	فصل سی و دوم	۹۵	فصل چهاردهم
۲۰۸	فصل سی و سوم	۱۰۰	فصل پانزدهم
۲۱۲	فصل سی و چهارم	۱۰۳	فصل شانزدهم

۲۲۴	فصل سی و پنجم	۳۳۲	فصل پنجاه و ششم
۲۳۰	فصل سی و ششم	۳۳۵	فصل پنجاه و هفتم
۲۳۸	فصل سی و هفتم	۳۳۹	فصل پنجاه و هشتم
۲۵۰	فصل سی و هشتم	۳۴۶	فصل پنجاه و نهم
۲۵۵	فصل سی و نهم	۳۵۰	فصل شصتم
۲۵۹	فصل چهلم	۳۵۳	فصل شصت و یکم
۲۶۳	فصل چهل و یکم	۳۶۱	فصل شصت و دوم
۲۶۸	فصل چهل و دوم	۳۶۷	فصل شصت و سوم
۲۷۵	فصل چهل و سوم	۳۷۳	فصل شصت و چهارم
۲۸۰	فصل چهل و چهارم	۳۸۰	فصل شصت و پنجم
۲۸۴	فصل چهل و پنجم	۳۹۳	فصل شصت و ششم
۲۸۷	فصل چهل و ششم	۳۹۹	فصل شصت و هفتم
۲۹۰	فصل چهل و هفتم	۴۰۷	فصل شصت و هشتم
۲۹۳	فصل چهل و هشتم	۴۱۲	فصل شصت و نهم
۲۹۶	فصل چهل و نهم	۴۱۶	فصل هفتادم
۲۹۹	فصل پنجاهم	۴۲۵	فصل هفتاد و یکم
۳۰۶	فصل پنجاه و یکم	۴۳۶	فصل هفتاد و دوم
۳۱۰	فصل پنجاه و دوم	۴۴۳	فصل هفتاد و سوم
۳۱۹	فصل پنجاه و سوم	۴۵۷	فصل هفتاد و چهارم
۳۲۴	فصل پنجاه و چهارم	۴۶۴	فصل هفتاد و پنجم
۳۲۹	فصل پنجاه و پنجم	۴۸۰	مؤخره

## درباره نویسنده

کاترینا (کترینا) اینگلمن سوندبرگ (سوندبری) نویسنده‌ی سوئدی متولد سال ۱۹۴۸ یکی از محبوب‌ترین نویسندگان ادبیات عامه‌پسند تاریخی در این کشور است. سوندبرگ که هجده اثر داستانی را در کارنامه ادبی خود ثبت کرده است، تحصیل‌کرده‌ی رشته‌ی تاریخ هنر است و بیشتر عمر خود را صرف باستان‌شناسی دریایی و موزه کرده است. سوندبرگ داستان‌های خود را با محوریت زندگی و تاریخ وایکینگ‌ها نوشته است. از جمله مشهورترین آثار او نقره‌ی وایکینگ‌ها (۱۹۹۷) و طلای وایکینگ‌ها (۱۹۹۹) است که در مجموع تاکنون نود هزار جلد فروش داشته‌اند. فعالیت در این ژانر سبب شد تا سوندبرگ در سال ۱۹۹۹ جایزه‌ی ادبی وایدینگ را به‌خاطر نگارش رمان‌های تاریخی عامه‌پسند به دست آورد. اما مشهورترین اثر او پیرزنی که تمام قوانین را زیر پا گذاشت، پس از انتشار در سال ۲۰۱۲ به سرعت مبدل به اثری پرفروش شد و در مدتی کوتاه به هفده زبان ترجمه شد. موفقیت کتاب سبب شد نویسنده رمانی دیگر در ادامه این داستان بنویسد که این اثر نیز در سال ۲۰۱۴ با عنوان شانس دوباره پیرزن منتشر شد.

مصاحبه با نویسنده درباره‌ی این اثر

۱. ایده‌ی کلی رمان پیرزنی که تمام قوانین را زیر پا گذاشت چیست؟

این کتاب درباره‌ی پنج آدم هفتاد سال به بالاست که از نحوه‌ی برخورد جامعه با افراد مسن به ستوه آمده‌اند. بنابراین آسایشگاه‌شان را با این فکر ترک

می‌کنند که به عنوان سارق مشغول به کار شوند چرا که به عقیده‌ی آنها شرایط زندانی‌ها در زندان به مراتب بهتر از سالمندا در آسایشگاه‌هاست.

۲. چرا تصمیم گرفتید راجع به چند دوست در یک آسایشگاه سالمندان کتاب بنویسید؟

وقتی اخبار مربوط به بودجه‌ی اندک آسایشگاه‌های سالمندان را می‌شنوم خیلی ناراحت می‌شوم. این افراد سالمند کسانی هستند که جامعه‌ی امروز ما را ساخته‌اند و بدین ترتیب کاری کرده‌اند که بسیاری از ما امروز زندگی راحتی داشته باشیم. اما بعد به محض این که همین افراد به اصطلاح پابه سن می‌گذارند ما با آنها بد رفتاری می‌کنیم. این درست نیست. بنابراین علی‌رغم این که این اثر سرشار از طنز است در عین حال اعتراضی شدید به جامعه‌ی است که ارزش‌های انسانی را به باد فراموشی سپرده است. دلم می‌خواست این موضوع را برجسته کنم و کاری کنم مردم به فکر سالمندان باشند.

۳. شخصیت مورد علاقه شما در باند بازنشسته‌ها کیست؟

راستش من همه‌ی آنها را دوست دارم. البته شخصیت اصلی داستان من مارتاست و من با او احساس نزدیکی بیشتری می‌کنم اما مغز را هم خیلی دوست دارم و همچنین آناگرتا و کریستینا و شن‌کش را هم دوست دارم. بنابراین می‌بینید که انتخاب یکی از آنها کار دشواری است...

۴. فکر می‌کنید ممکن است خودتان زمانی شبیه مارتا بشوید؟

بله، یا شاید حتی از مارتا هم خشمگین‌تر شوم. اما دلم می‌خواهد فکر کنم در دوران پیری آدمی می‌شوم که بیشتر به فکر تغذیه سالم هستم و البته کمتر از مارتا هم دزدی می‌کنم.

۵. لحظه‌ای در این داستان وجود دارد که شما آن را بیشتر از قسمت‌های دیگر دوست داشته باشید؟

من قسمتی را دوست دارم که باند بازنشسته‌ها تابلوها را از موزه‌ی ملی

می‌دزدند. و البته پایان داستان را هم دوست دارم.

۶. رمان‌های مورد علاقه‌تان کدام آثار هستند؟

آثاری را دوست دارم که از خواندن‌شان حس خوبی پیدا کنم. آثار دیکنز و اسکار وایلد و بسیاری دیگر از نویسندگان انگلیسی را خوانده‌ام. عاشق فیلم‌های انگلیسی و البته حس شوخ‌طبعی انگلیسی‌ها هم هستم.

۷. به نظر شما لذت‌بخش‌ترین قسمت کار نویسندگی چیست؟

راستش را بگویم نویسندگی به من این آزادی عمل را می‌دهد تا اوقاتم را خودم برنامه‌ریزی کنم و هر کاری را دوست دارم در هر جایی که مایلم انجام دهم.

۸. رمان پیرزنی که تمام قوانین را زیر پا گذاشت تا به حال به زبان‌های مختلف و با عناوین مختلف در هفده کشور ترجمه و چاپ شده است. ممکن است کمی درباره‌ی عناوین دیگر این کتاب در زبان‌های دیگر برای ما توضیح بدهید؟

عنوان اصلی رمان در زبان سوئدی قهوه و سرقت است. در بعضی کشورها از همین عنوان سوئدی استفاده شده است. مثلاً در زبان ایسلندی همین عنوان ترجمه شده است. ترجمه‌ی آلمانی با عنوان ما تازه کارمان را شروع کرده‌ایم چاپ شده است. ایتالیایی‌ها عنوان نمی‌توانی به هشتاد ساله‌ها اعتماد کنی را انتخاب کرده‌اند. عنوان ترجمه‌ی نروژی کتاب شیادی و لیکور تمشک است و برای ترجمه‌ی اسپانیایی از عنوان یا پول یا زندگیست استفاده شده است. عنوان ترجمه هلندی هم شبیه عنوان سوئدی است.

من عنوان انگلیسی پیرزنی که تمام قوانین را زیر پا گذاشت را بیشتر دوست دارم چون دقیقاً به موضوع کتاب اشاره می‌کند. یک گروه آدم سالمند که تمام قوانین را زیر پا می‌گذارند و مارتا هم سرده‌ی آنهاست. شخصاً این عنوان را بیشتر درک می‌کنم.

۹. نوشتن یک اثر جهانی و پرفروش چه حسی دارد؟